خبر ویژه

اسنپ، حامی اتیسم

تخفیف ویژه اسنپ و اسنپ‌دکتر برای افراد دارای اتیسم

● اسنپ با همکاری «انجمن اتیسم ایران» تسهیلات ویژه‌ای برای حمل‌ونقل و مشاوره آنلاین پزشکی افراد دارای اتیسم در نظر گرفته است. آن‌طور که روابط‌عمومی اسنپ می‌گوید در ماه آگاهی‌بخشی درباره اتیسم، اسنپ ۲۰ درصد تخفیف ویژه درخواست خودرو (تا سقف شش هزار تومان) برای صد سفر در اختیار افراد دارای اتیسم و خانواده‌های آنها قرار داده است، تا بتوانند راحت‌تر تردد کنند. این کد که تا پایان شهریور ۱۴۰۰ اعتبار دارد، در اختیار افرادی که از سوی انجمن اتیسم به اسنپ معرفی می‌شوند، قرار می‌گیرد. همچنین ۳۵ هزار تومان تخفیف مشاوره آنلاین پزشکی و روان‌شناسی هم از سوی اسنپ‌دکتر برای این افراد در نظر گرفته شده است.

آشنایی با اتیسم

اتیسم یک اختلال عصبی رشدی است که بر نحوه تعامل فرد با دیگران و یادگیری او تأثیر دارد. این اختلال که در سال‌های اولیه رشد نمایان می‌شود، فرد را در تعاملات اجتماعی خود دچار مشکلاتی می‌کند. حمل‌ونقل یکی از چالش‌های اساسی افراد دارای اتیسم است؛ بسیاری از این کودکان نمی‌توانند از وسایل حمل‌ونقل عمومی استفاده کنند و برخی از بزرگسالان دارای اتیسم نمی‌توانند رانندگی کنند. روابط‌عمومی اسنپ ضمن اشاره به اینکه اسنپ اولین حامی حمل‌ونقل اتیسم در ایران است، گفت: «اسنپ به‌عنوان سامانه حمل‌ونقل دوست‌دار اتیسم در ایران تلاش دارد با اطلاع‌رسانی گسترده درباره این اختلال کاربران خود را یک قدم به شناخت دنیای متفاوت این افراد نزدیک‌تر کند. مسئولیت اجتماعی ماست که برای دسترسی همه افراد جامعه به حمل‌ونقل مناسب تلاش کنیم و تخفیف ویژه افراد دارای اتیسم یک گام کوچک در این مسیر است». همان‌طور که اشاره شد، تعامل برقرارکردن با دیگران می‌تواند برای افراد دارای اتیسم دشوار باشد. اسنپ‌دکتر نیز با ارائه تخفیف ویژه مشاوره پزشکی و روان‌شناسی تلاش دارد افراد دارای اتیسم را در مسیر کسب توانایی‌ها و مهارت‌های‌شان حمایت کند.

خبر

آغاز واکسیناسیون کرونا برای سنین ۸۰ به بالا

● **شرق:** واکسیناسیون کرونا از روز گذشته در کشورمان با اولویت افراد ۸۰ سال به بالا وارد فاز دوم شد. آغاز فاز دوم واکسیناسیون کشوری علیه کرونا، با اولویت افراد ۸۰ سال به بالا و با حضور رئیسی، معاون بهداشت وزارت بهداشت و با ارتباط ویدئوکنفرانسی وزیر بهداشت از روز هفتم اردیبهشت‌ماه در تبریز کلید خورد. سخنگوی ستاد ملی مقابله با کرونا، چندی‌پیش اعلام کرده بود که آغاز واکسیناسیون فاز دوم کرونا از روز سه‌شنبه فقط برای افراد ۸۰ سال به بالا خواهد بود. در اکثر شهرها و روستاهای ایران، پرونده الکترونیک این افراد در اختیار حوزه بهداشت قرار دارد و بنابراین از طریق تلفن و از مرکز بهداشت با آنها تماس گرفته شده و در روز و ساعت مشخص برای تزریق واکسن کرونا دعوت می‌شوند. وی درعین‌حال گفت: افراد ۸۰ سال به بالایی که پرونده الکترونیک سلامت ندارند، می‌توانند با شماره تلفن‌های که از سوی دانشگاه‌های علوم پزشکی هر استان اعلام می‌شود، تماس گرفته و اطلاعات‌شان را برای انجام واکسیناسیون علیه کرونا ثبت کنند. به گفته سخنگوی ستاد ملی مقابله با کرونا در این فاز که از روز گذشته آغاز شده است، به ترتیب از سنین ۸۰ سال به بالا، ۷۵ تا ۸۰، ۷۰ تا ۷۵، ۶۵ تا ۷۰ و بیماران زمینه‌ای و صعب‌العلاج، واکسن دریافت خواهند کرد. رئیسی همچنین گفته بود که در این فاز افراد سالمند گروه هدف ۷.۲ میلیون نفر هستند و به همین میزان هم بیماران زمینه‌ای داریم و این یعنی این فاز سنگین خواهد بود. در فاز دو پیش‌بینی ما این است که شاید واکسیناسیون فاز دوم تا تیرماه طول بکشد. در این فاز باید از واکسن‌های داخلی کمک بگیریم. در اردیبهشت‌ماه واکسن خارجی به دستمان خواهد رسید و در خردادماه شاید واکسن پاستور به دستمان برسد. دولت و وزارتخانه تلاش می‌کند و یک قرارداد ۶۰ میلیون دُزی با روسیه برای واکسن اسپوتنیک وی بستیم و از طریق کووکس هم ۱۶.۸ میلیون دُز خریداری کردیم که باید به‌تدریج به دستمان برسد.

بر اساس اعلام، فاز سوم واکسیناسیون علیه کرونا نیز مرداد تا آذر ۱۴۰۰ خواهد بود که شامل افراد ساکن در مراکز تجمعی که برآورد جمعیت آنها دو میلیون نفر است، افراد ۵۵ تا ۶۴ سال بدون بیماری زمینه‌ای دارای برآورد جمعیتی پنج‌میلیون‌نفری و افراد در مشاغل و خدمات ضروری که شامل برآورد جمعیتی ۱۲میلیون‌نفری می‌شوند، است. فاز چهارم واکسیناسیون نیز بر اساس برنامه‌ریزی‌های وزارت بهداشت، در زمستان ۱۴۰۰ انجام شده و شامل عموم مردم خواهد شد.

گفت‌وگو با یاسر جعفری، معاون برنامه‌ریزی و توسعه سازمان زیباسازی شهر تهران

زیبایی شهر با استراتژی راه‌انداختن بوی کباب

شرق: زشتی و زیبایی اگرچه به‌صورت کلی امری نسبی است اما درباره زیبایی شهر و منظر شهری اصول و قواعدی مشخص و دقیق وجود دارد. مثلا به‌راحتی می‌توان فهمید که اغتشاش بصری و آلودگی منظر ساختمان‌ها و تابلوهای بی‌قاعده و رنگارنگ که هرکس هرطور دلش خواسته آنها را طراحی و نصب کرده و مواردی از این دست چیزی نیست جز زشتی. در رابطه با همین موضوع و اینکه خواستن زیبایی در شهر وظیفه کیست، مردم یا مسئولان و اینکه این خواست باید از کجا بجوشد با یاسر جعفری، معاون برنامه‌ریزی و توسعه سازمان زیباسازی شهر تهران گفت‌وگویی کرده‌ایم که در ادامه می‌خوانید. جعفری معتقد است در این سال‌ها با یک استراتژی مشخص و اجرای نمونه‌کارهای مشخص که به زیباترشدن شهر کمک کرده، مطالبه زیبایی در شهر بین مردم شکل گرفته است. او از این ایده با عنوان استراتژی راه‌انداختن بوی کباب یاد می‌کند.

فرض کنید من یک شهروند مطالبه‌گر هستم و نسبت به برخی چیزهای مرتبط با نما و منظر شهری گلایه دارم، مثلا درباره برخی زشتی‌های ظاهری تهران. از کجا باید شروع کنم؟ باید یقه چه کسی را بگیرم که چرا شهر زشت است؟ چقدرش به سازمان زیباسازی ربط دارد؟ یک شهروند مطالبه‌گر می‌تواند اینجا بیاید، مدعی شما شود و از دست شما عصبانی شود که چرا این شهر زشت است یا نه؟

اتفاقا وظیفه ما باید همین باشد. باید آن‌قدر ساختار و نظام‌مندی سیستم به سمتی برود که این اتفاق بیفتد. نظر ما هم این است که الان در دوره‌ای هستیم که اتفاقا باید مطالبه‌گری را به وجود آوریم، اگر بخواهیم این چرخه، این سیستم و این نظام شکل گیرد. اولا مردم باید بدانند که حق‌شان است و مطالبه‌گر باشند. الان اصولا با نقدهای موردی روبه‌رو هستیم، با مطالبه عمومی روبه‌رو نیستیم. یعنی ممکن است مورد به مورد، نقدی نسبت به موضوعی شود. فقط هم رفع همان موضوع در دستور کار قرار می‌گیرد. اتفاقا این، حلقه‌های گمشده این اتفاق است. زمانی که ما به مطالبه برسیم و مردم، کیفیت و زیبایی را مطالبه کنند، ما مجبور هستیم با آن، نظام‌مند و ساختارمند برخورد کنیم و برای همه سؤال‌ها جواب داشته باشیم. از جایی، این مطالبه‌گری به سیستم یا آن مجموعه که متولی آن می‌شود، مشروعیت می‌دهد که با دستگاه‌های دیگر درگیر شود. یعنی الان این اتفاق را نداریم. سازمان زیباسازی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ارکان کیفیت‌بخش به شهر، در بسیار جاها باید مدعی‌العموم باشد، خودش باید ناقد باشد، باید خودش به خیلی مسائل و دستگاه‌های دیگر، چه درون‌شهرداری، چه بیرون شهرداری، چه در دولت و چه حتی در بخش عمومی یا خصوصی، نقد وارد کند.

این باید که می‌گویید، باید آرمان‌گرایانه است یا در قانون هم دیده شده؟

بخش‌هایی از آن در قانون دیده شده است. مثالی برای شما می‌زنم. ما در تهران در طول سال‌ها معضل بزرگی داشتیم درباره این برچسب‌های تخلیه فاضلاب که روی درودیوار زده می‌شد. اینها، یکی از نازیبایی‌هایی بود که تقریبا همه با این روبه‌رو بودیم اما به آن عادت کرده بودیم. قانون برچسب‌زدن، قانونی برای دهه ۴۰ است. کسی هم دیگر به آن توجه نکرده بود اما از یکی، دو دهه گذشته، همین مسئله به‌عنوان یک مطالبه مطرح شد و راه خود را پیدا کرد و قوانینش هم مشخص شد. یعنی به‌صورت صریح درخصوص اینکه مثلا این برچسب‌ها کنده شود، لایحه به مجلس و به شورا داده شد و این لایحه به دولت رفت و بحث‌های زیادی درباره آن مطرح شد. الان برای برچسب‌ها، مشخصا قوانین سختگیرانه‌تری وضع شد. مثلا جریمه‌های آن از پنج تا تک‌تومانی به پنج‌میلیون تومان به ۲۰ میلیون تومان و قطع تلفن کسی که خطا کرده است یا ندادن خط تلفن جدید یا از این قسم جریمه‌ها رسیده است. اینها قوانین بازدارنده بودند. همین تجربه نشان می‌دهد زمانی که مطالبه عمومی برای کیفیت باشد متولیان شهر مجبور می‌شوند دست به عمل بزنند.

اگر ملاک را به‌نوعی مطالبه عمومی بدانیم، بحثی پیش می‌آید. مسئله خانه‌های تاریخی تهران، در این مورد مطالبه زیاد اتفاق افتاده است. اعتراض هم شده است. اما حتی اخیرا در همین سال ۱۴۰۰ هم خانه‌های تاریخی بوده که در تهران تخریب شده است. گیر این موضوع در کجاست؟ مطالبه هم شده، مسئله مردم هم هست، ماجرایش هم ملموس است ولی کو نتیجه؟

الان پنج‌هزار خانه تاریخی داریم. نه میراث فرهنگی این‌قدر بودجه دارد که اینها را بخرد، نه شهرداری تهران و نه هیچ دستگاه خصوصی. نکته مهم به نظر من این نیست که همه اینها را درست کنیم بلکه باید نگاه‌مان را درست کنیم. الان دیده‌اید موضوع میراث معماری مدرن مهم شده و مثلا خانه‌های ۴۰-۵۰ ساله شهر هم علاقه‌مندان زیادی پیدا کرده و نسبت به تخریب آنها اعتراض می‌شود و حساسیت به‌وجود آمده؛ این همان مطالبه است که باعث می‌شود سخت‌گیری‌های قانونی شکل بگیرد.

وقتی این فرهنگ به هر دلیلی وجود ندارد، متولیان با وضع قانون می‌توانند فرهنگ عمومی را به این سمت سوق بدهند. مثل خیلی چیزهای دیگر که با قانون درست شده اما درباره نمای شهری انگار متولیان هم خیلی این موضوع به نظرشان اهمیتی ندارد، این‌طور نیست؟

ببینید ما قانونی داریم که در بالکن خانه نباید هیچ چیزی گذاشته شود که نمای بیرون زشت شود. فکر می‌کنم قانون برای سال ۱۳۳۵ است. قانون می‌گوید نباید در بالکن، چیزی بگذارید. الان در سال ۱۴۰۰، چند درصد از ساختمان‌ها این را می‌دانند و قانون را رعایت می‌کنند؟ یعنی قانون در چیزهایی وجود دارد؛ اما ضمانت اجرائی وجود ندارد. از طرفی مانند خیلی چیزهای دیگر که در مملکت ما قانون، آنها را ممنوع کرده است؛ ولی متولی و ضمانت اجرائی محکم یا دستگاهی که بخواهد با همه اینها برخورد کند، وجود ندارد. این هم یک امر کیفی و زیبایی‌شناسانه است. باید این اتفاق عمومی بیفتد که مردم بدانند رعایت این قوانین، حداقل برای بهره‌برداری خودشان از زیبایی است؛ اما شهرداری باید چه کار کند؟ قطعا شهرداری نمی‌تواند تمام بودجه‌اش را سرمایه‌گذاری کند برای اینکه خانه‌های تاریخی را بخرد. باید بسته‌های تشویقی دهد. باید قوانین بهره‌برداری از این بناها را تسهیل کند که بخش خصوصی مشارکت کند و برای سرمایه‌گذار، این توجیه را داشته باشد که این فضا را احیا کند. اتفاقا کلیدواژه توجه به همین بافت و بنای تاریخی ما، واژه احیاست. شهرداری باید متولی احیا باشد، نه متولی مرمت. وقتی مرمت می‌گویید؛ یعنی کالبد، یعنی درست‌کردن، در واقع وارد بحث‌های اجرائی‌شدن، ساختمان را از تخریب نگه‌داشتن و اقدامات عملیاتی و سخت‌افزاری. احیا یعنی زنده نگه‌داشتن آن فضا در ذهن مردم.

در صحبت‌های‌تان فقط از «باید» می‌گویید. این بایدها انگار موضوع را موکول به آینده می‌کند و بیشتر یک آرزو و رؤیاست.

هر مدیری و هر کسی که دست‌اندرکار است، قبل از هر چیزی باید رؤیا و آرزو داشته باشد؛ چون اگر فقط با مشکلات روز درگیر باشیم و آن را رفع و رجوع کنیم، هیچ وقت نمی‌توانیم برای آیندگان کاری کرده باشیم. «باید» همه ما، هرجا که هستیم، این است که افق داشته باشیم، یک آرزو برای شهر داشته باشیم و رؤیاپردازی کنیم. اتفاق‌هایی که امروز هم در شهر افتاده است، حتی همین خرید خانه‌های تاریخی، حتی همین حفاظت‌های حداقلی که مدنظرتان است، رؤیا و آرزوی عده‌ای در ۲۰ سال پیش بوده؛ یعنی اینکه عده‌ای آن موقع آرزو می‌کردند ای کاش این خانه تاریخی مرمت می‌شد. مثلا خانه اتحادیه در لاله‌زار، رؤیا و آرزوی هزاران نفر بوده است که این خانه که بخشی از خاطره ذهنی مردم شهر تهران و کل ایران است، برای شهر بماند. امروز در سال ۱۴۰۰ این رؤیا به تحقق پیوسته است. اگر آن رؤیا نبود، امروز اتفاق نمی‌افتاد.

همین مطالبه عمومی چطور باید شکل بگیرد؟ نمی‌خواهم الان وارد بحث‌های تکراری لزوم و اهمیت فرهنگ‌سازی و... بشویم. آیا در وظایف سازمان زیباسازی، این دیده شده است؟ یعنی ارتقای نگاه مردم نسبت به مسئله زیباسازی. این جزء وظایف سازمان هست؟

بگذارید از یک تجربه و استراتژی که در چند سال گذشته اجرا کرده‌ایم، مثال بیاورم. استراتژی راه‌انداختن بوی کباب! یعنی اجرای خرده‌پروژه و نمونه کار. استراتژی ما برای ایجاد این مطالبه راه‌انداختن بوی کباب بوده. مردم دیدند که مثلا چقدر خوشمزه و خوب است که نماهای خیابان انقلاب تمیز شد. بعد از آن، مغازه‌دار و مالکان گفتند اگر می‌شود مغازه و ساختمان من را هم تمیز کنید یا درباره میادین شهری، مثلا میدان راه‌آهن را بعد از ۵۰، ۶۰ سال درهم‌ریختگی و به‌هم‌ریختگی که وسطش کارگاه مترو بود و اطرافش ریخت‌وپاش و معتادان و صد اتوبوس بی‌آرتی می‌ایستاد. با یک‌سری اقدامات اولیه مثل خارج‌کردن اتوبوس‌ها آلودگی هوا و آلودگی صوتی آن را کم کردیم. با برداشتن نرده‌ها و کارگاه‌های ساختمانی و جمع‌کردن کارگاه‌هایی که چندده‌سال آنجا بود، مقداری آرامش بصری ایجاد کردیم. همین کارها خرده‌اقلیم آنجا را تغییر داد. درهرحال، مردمی که هر روز از میدان راه‌آهن استفاده می‌کردند، الان با کیفیت جدیدی روبه‌رو می‌شوند. این کیفیت، مطالبه می‌شود. الان می‌گویند ۵۰ میدان دیگر ما چرا این‌طور نیست؟ یعنی عطر این کار خوب بلند شد و الان بقیه جاها هم چنین خواسته‌هایی هست.

الان وضعیت خیلی از میادین شهری واقعا سرسام‌آور است؛ از حجم آلودگی صوتی و بصری و هوایی و.... برای آنها کاری شده یا می‌شود؟

دقیقا، مثلا میدان بهارستان، میدان انقلاب، میدان راه‌آهن، هرکدام از میادین را که می‌دیدید، ایستگاه‌های اتوبوس بودند، نه مکان‌هایی که فقط برای تردد استفاده شوند؛ یعنی اتوبوس‌ها روشن می‌ایستادند، آلودگی ایجاد می‌کردند، صدا و گرما و همه نوع آلودگی ایجاد می‌کردند تا نوبت‌شان شود و به مقاصد مختلف حرکت کنند. همین سؤال و انتقاد کوچک را سازمان زیباسازی به‌عنوان متولی کیفیت مطرح کرد و منجر به این شد که کل میادین شهر تهران را درگیر موضوعی کرد و باعث شد طرح جامعی تهیه شود که میادین را از ترمینال‌بودن، خالی کنند. این یک مطالبه است. دیگر الان نمی‌توانید در میدانی، به این راحتی اتوبوس را نگه دارید؛ یعنی اگر فردا چهار اتوبوس در میدان راه‌آهن پشت سر هم بایستند و دوباره مانند گذشته شود، مردم شروع به مخالفت می‌کنند. پس یکی از استراتژی‌های مهم ما در سال‌های گذشته برای ایجاد مطالبه، خود عمل‌کردن بوده و ساختن نمونه‌های کوچک. درباره مبلمان شهری هم همین کار را کردیم و برای ساخت مبلمانی که استاندارد باشد، سال‌ها با نخبگان همفکری و مشورت کردیم تا کیفیت مبلمان شهری را به لحاظ زیبایی، ارگونومی، توجه به آسیب‌رسانی‌های محیطی و... ارتقا بدهیم. مردمی که روی یک مبلمان راحت دارای ارگونومی استاندارد که از مواد اولیه مناسب هم ساخته شده، بنشینند، دیگر روی مبلمان قدیمی سفت و سختی که در زمستان سرد و در تابستان داغ است، نمی‌توانند بنشینند. این خودبه‌خود یک مطالبه می‌شود. وظیفه ما ایجاد نمونه بوده. از اینجا به بعد، خودبه‌خود مطالباتی شکل می‌گیرد.

یکی از معضلات خیلی عیان شهر تهران، زشتی یا کثیفی منظر شهر است. تعبیرش واقعا کثیفی است؛ کثیفی نمای ساختمان‌های شهر، حتی ساختمان‌های دولتی و ساختمان‌های خود شهرداری. دود و سیاهی و بی‌نظمی از سر و روی آنها می‌بارد. در طرح پیرایش شهر، یکی از کارها این بود که ساختمان‌ها را انگار رنگ کرده‌اید و شسته‌اید که بازخورد خوبی هم داشت. آیا اساسا قانونی وجود دارد که من را به عنوان یک شهروند موظف کند ساختمان خودم را تمیز کنم؟

بگذارید یک مثال از فرهنگ‌های سنتی ایران دراین‌باره بزنم. در بسیاری از مناطق کویری کشور که خانه‌ها خشت و گلی است، رسمی بوده و هست که آخر سال کاهگل روی نمای ساختمان را نو می‌کنند. این فرهنگ اصیل است که نمای بیرونی خانه‌اش در هنگام تحویل سال برایش مهم است که نو بشود. ما این را در شهر نداریم. طرف فکر می‌کند تنها داخل ساختمان برای خودش است. نسبت به این حق عمومی و حق شهروندی هنوز واقف نیستیم؛ نه سازنده ما و نه بهره‌بردار. کسی اهمیتی برای نمای بیرونی خانه‌اش قائل نیست.

درباره سؤال شما باید بگویم متولی شهرداری است. در شهرداری هم سازمان زیباسازی است. سازمان زیباسازی، تقریبا متولی همه چیز منظر شهر است، منهای چند موضوع؛ انسان‌ها، شهروندان و اشخاص، درختان که متولی آن سازمان بوستان‌هاست و ماشین‌ها که بخش زیادی از آن به حمل‌ونقل و ترافیک برمی‌گردد. ولی بقیه اینها منظر ایستا و ثابتی می‌شوند که متولی آن، سازمان زیباسازی است. در شهرداری تقریبا این وظیفه به ما سپرده شده است. اما چقدر پشتیبانی و پشتوانه اجرائی وجود دارد؟ این دقیقا سؤالی است که باید به آن فکر کرد. یعنی ضمانت اجرائی و قانونی آن چیست و چقدر ابزار برای کنترل این وجود دارد؟ مشکل اصلی اینجاست.

در زمینه تابلوهای شهری هم وضعیت سرشار از اغتشاش و بی‌نظمی است. درباره این کاری شده است؟

واقعا در چقدر از شهرهای دنیا می‌بینید که مغازه‌ها این‌قدر تابلو داشته باشند و مثل اینجا تبدیل به حقوق مالکانه هم شده باشند. در بسیاری از شهرهای پیشرفته و زیبای دنیا که منظر متفاوتی دارند و این‌قدر اغتشاش نمی‌بینید، مجوزگرفتن برای زدن یک تابلو، تبدیل شده به مجوزهای سانتی‌متری برای برندها. یعنی شما اجازه ندارید به این راحتی مثلا تابلوی دو در چهار مترمربعی برای خودتان بزنید به‌عنوان اینکه در فلان حوزه هستید یا مثلا بانک یا تجاری هستید. ما در سازمان زیباسازی برای حل این مشکل، قوانین جدیدی تهیه کرده‌ایم که تعریف و سازوکار مشخص داشته باشد. بر همین اساس کار را شروع کردیم که همه را شناسایی و ثبت کنیم. به هر کسی در حد و محدوده‌ای مجوز دهیم؛ یعنی ابعاد استاندارد شود. میزان، حتی فونت، نور و نوع نما در شب و روز را با جزئیات مشخص کردیم.

ضمانت اجرائی این قوانین چیست؟

برای همه اینها هزینه‌ها و عوارض سالانه تعریف شده است. عوارض، ابزار کنترل زیبایی شده. این کار همه جای دنیا اتفاق می‌افتد. آنها عوارض را بسیار بالا می‌برند برای کسی که واقعا تجارتش می‌صرفد، این کار را بکند. حالا ما به لحاظ اقتصادی برای کسب‌وکارها یک حقوق عمومی قائل شدیم، اما حداقل‌هایی کنترل‌شده هم مشخص کردیم که کسی خارج از استاندارد، تابلویی بالا نبرد. این یک چیز تجربه‌شده در دنیاست؛ در همه کشورهای دنیا که این اصول رعایت می‌شود، آیا مغازه‌هایی که تابلو ندارند، اقتصادشان نمی‌چرخد؟

جزئیات دیگر این قانون چیست؟

بر اساس آن، دیگر کسی اجازه ندارد روی بام هیچ ساختمانی تابلوی تبلیغاتی داشته باشد؛ حتی اگر بانک باشد. مواردی که می‌بینید، همه باید جمع شوند. همه در حال اعمال قانون هستند؛ یعنی چانه‌زنی‌های حقوقی، قضائی و دادگاهی انجام می‌دهند، ولی مشخصا هیچ ساختمانی نباید روی پشت بامش تابلوی تبلیغاتی داشته باشد یا از طبقات اول و دوم به بالا، دیگر نباید تابلوی تبلیغاتی داشته باشیم. اینها مصوب شده است.

کجا مصوب شده و از چه زمانی قرار است اعمال شود؟

در حد هیئت دولت تصویب شده و در حال آخرین بخش‌های ابلاغیه خود است و فکر می‌کنم امسال عملیاتی شود. به نظرم از لحاظ قانونی، کمک زیادی به بحث کیفیت و زیبایی شهر می‌کند.

ولی قبول دارید به صورت کلی مسئله زیبایی شهر خیلی فراتر از این موارد جزئی است و نیاز به تصمیم و قوانین کلی‌تر و پیش‌دستانه دارد که از ابتدا جلوی چنین مواردی را بگیرد؟

بله درست است؛ به صورت کلی برای کنترل‌کردن پروژه‌ها، ساخت‌وسازها و حتی پروژه‌هایی که در اختیار شهرداری نیست یا حتی پروژه‌هایی که ساخت‌وسازش در شهرداری شکل می‌گیرد، به این نتیجه رسیدیم که باید برای همه اینها یک پیوست زیبایی‌شناسانه وجود داشته باشد؛ یعنی همان‌طور که شما می‌خواهید یک ساختمان بسازید باید پیوست سازه، مسائل امنیتی، تأسیسات الکترونیک و مکانیکال داشته باشد، باید در کنار خودش، یک پیوست زیبایی داشته باشد که به همه بخش‌های یک ساختمان توجه کند. از نصب‌کردن تجهیزات خارج از مصالح مرسوم از نمای ساختمان بگیرید تا رنگ ساختمان، جنس و مصالح ساختمان، اندازه ساختمان، ارتفاع پنجره‌ها، نوع شیشه‌ها و... همه اینها می‌تواند در پیوست زیبایی‌شناسانه در همه پروژه‌ها و نه‌تنها در مسائل ساختمان‌سازی وجود داشته باشد. مثلا در شهری مثل لندن، حتی تاکسی‌هایی که در شهر می‌بینید، حتی اتوبوس واحد، بخشی از پیوست زیبایی‌شناسانه شهر است؛ یعنی رنگ قرمز اتوبوس‌های لندن، بخشی از منظر شهری لندن است، کسی هم اجازه ندارد این را بشکند. تابلوهای تبلیغاتی قرمز، بخشی از لندن هستند. رنگ تاکسی‌های لندن، بخشی از منظر شهری لندن است. یعنی عکسی از یک قاب، یک سکانس از گوشه یا چهارراهی در بخشی از لندن بگیرید، کاملا مشخص است که اینجا چه شهری است، اما الان درباره تهران اصلا این‌طور نیست.

یادداشت

ردصلاحیت‌های گسترده در انتخابات شوراها

● **نورا حسینی:** هنوز به‌طور رسمی به هیچ‌کدام از ثبت‌نام‌کنندگان انتخابات شورای ششم اعلام نشده است که رد صلاحیت شده‌اند؛ اما به‌طور غیررسمی به برخی از چهره‌های شناخته‌شده، رد صلاحیت آنها اعلام شده است.

منابع غیررسمی می‌گویند از اعضای کنونی شورای شهر پنجم، فقط محمد علیخانی، رئیس کمیسیون عمران و حمل‌ونقل شورای شهر و مجید فراهانی، عضو کمیسیون برنامه و بودجه، تأیید صلاحیت شده‌اند. هرچند درباره تأیید یا رد صلاحیت مجید فراهانی نیز سخنان متضادی مطرح می‌شود.

اما محمدجواد حق‌شناس، حجت نظری، محمد سالاری، زهرا نژادبهرام، الهام فخاری، محمود میرلوحی، آرش میلانی، علی اعطا، افشین حبیب‌زاده و زهرا صدراعظم‌نوری اعضایی هستند که گفته می‌شود تا این لحظه صلاحیت‌هایشان تأیید نشده است.

یکی از اعضای شورای شهر تهران خبر ردصلاحیت‌ها را تأیید می‌کند و می‌گوید هنوز به‌طور رسمی به ما اعلام نشده، ولی به صورت غیررسمی از این ردصلاحیت‌ها مطلع شده‌ایم.

بیشتر اعضا امیدوار هستند بعد از اعتراض در مراجع بالاتر، مشکل ردصلاحیت‌ها برطرف شود؛ به همین دلیل از تأیید رسمی آن پرهیز می‌کنند. به گفته یکی از اعضای شورای شهر تهران، این لیست استان تهران است و هنوز برای تجدیدنظر فرصت هست.

به اعتقاد این عضو شورای شهر، چنین ردصلاحیت‌های گسترده‌ای این پیام را دارد که قصد برگزاری انتخابات به معنای واقعی آن وجود ندارد.

ردصلاحیت‌ها تنها به اصلاح‌طلبان محدود نمی‌شود و روز گذشته نیز خبرهایی مبنی بر رد صلاحیت برخی از معاونان محمدباقر قالیباف منتشر شد؛ خبری که رد نشد، ولی اعلام شد طرح نام‌ها قبل از اعلام رسمی، غیرقانونی بوده است.

پیش از این اعلام شده بود تمامی اعضای شورای شهر پنجم که برای انتخابات دور بعد شوراها ثبت‌نام کرده‌اند، در هیئت اجرائی تأیید صلاحیت شده‌اند. در این مرحله تنها از مراجع چهارگانه برای تأیید صلاحیت استعلام گرفته می‌شود. مراجع چهارگانه ثبت احوال، دادگستری، نیروی انتظامی و وزارت اطلاعات است.

هیئت‌های اجرائی و فرمانداری‌ها تا ۱۰ روز بعد از ثبت‌نام داوطلبان فرصت دارند استعلام‌های کافی از این چهار مرجع را اخذ کنند، بعد نوبت به بررسی صلاحیت در هیئت‌های اجرائی می‌رسد. اگر هیئت‌های اجرائی کسی را تأیید یا رد کردند، همه مدارک‌شان را به هیئت نظارت بخش یا شهرستان می‌دهند.

در هیئت نظارت شهرستان هم اگر اعتراض شد، هیئت نظارت استان مسئول بررسی است. حال تصور کنید شخصی به رد صلاحیت خود در هیئت نظارت شهرستان نیز اعتراض داشته باشد، در اینجا بررسی دوباره صلاحیت در هیئت نظارت استان می‌رود و اگر در استان هم اعتراض شد، به هیئت مرکزی می‌رود.

به گفته یکی از اعضای شورای شهر تهران، پس از تأیید صلاحیت در هیئت اجرائی از مرجع دیگری هم استعلام گرفته می‌شود که بیشتر ردصلاحیت‌ها به این مرجع بازمی‌گردد؛ مرجعی که دلیل ردصلاحیت‌ها را هم اعلام نمی‌کند و تنها به یک پیامک اکتفا می‌کند. در انتخابات شورای شهر نامزدها تنها باید شرایطی همچون التزام و وفاداری به ولایت فقیه و قانون اساسی را داشته باشند و در برخی مقام‌های دولتی نباشند و محکومیت قضائی یا وابستگی به تشکیلات غیرقانونی نداشته باشند. به نظر می‌رسد این شرایط در بسیاری از ردصلاحیت‌شدگان وجود دارد.

اعضای شورای شهر کنونی به استناد ماده ۳۰ و ۳۳ قانون تشکیلات، وظایف و انتخاب شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران بند «د» و «ج» رد صلاحیت شده‌اند. بر اساس این دو بند، کسانی که ابراز وفاداری به قانون اساسی جمهوری اسلامی آنها مورد تردید است و وابستگان تشکیلاتی به احزاب، سازمان‌ها و گروهک‌هایی که غیرقانونی‌بودن آنها از طرف مراجع صالحه اعلام شده باشد، برای حضور در انتخابات رد صلاحیت می‌شوند؛ موضوعی که به نظر نمی‌آید درباره اعضای کنونی شورای شهر تهران صدق کند.